



بیانات در محفل انس با قرآن کریم در اولین روز ماه مبارک رمضان، از طریق ارتباط تصویری با جمعی از فعالان قرآنی در مصلاهی امام خمینی (ره) (۱) - 25 / فروردین / 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

حلول ماه مبارک رمضان را به همه‌ی ملت عزیزمان و به همه‌ی امت بزرگ اسلامی تبریک عرض میکنیم و امیدواریم که این ماه مبارک، به معنای حقیقی کلمه، برای ملتمان و برای امت بزرگ اسلامی مبارک باشد؛ ان شاء الله. تشکر میکنم از برادران عزیزی که این جلسه‌ی بسیار خوب و متنوع و مبتکرانه را تشکیل دادند و از مجری محترم، آقای یراق بافان تشکر میکنم که بسیار خوب اجرا کردند. از همه‌ی برادران عزیزی که تلاوت کردند و ما را واقعاً به فیض رساندند، تشکر میکنم. از یادآوری خاطرات گذشته هم خرسندم و امیدواریم که خدای متعال همچنان که عمر ما را در طول این سالها همراه با قرآن قرار داده، تا آخرین نفس در خدمت قرآن و همراه با قرآن قرار بدهد، با قرآن زنده بدارد، با قرآن بمیراند و با قرآن ما را محشور کند ان شاء الله.

توضیحی در باره‌ی رتبه‌ی اقتصادی ایران در دنیا

امروز یک صحبت مختصری در جهت هدایت قرآنی، در باب هدایت قرآنی عرض میکنم. البته بحث هدایت قرآنی بحثی نیست که در یک گفتگوی این جوری در یک جلسه پایان بپذیرد؛ من یک مختصری امروز عرض میکنم. یکی دو کلمه هم راجع به موضوعات دیگری اگر وقت شد، به عرض شنوندگان محترم و بینندگان محترم و ملت عزیز ایران میرسانم. ولی قبل از شروع مطالب، یک مطلبی را از حدود دو سه هفته پیش قصد داشتم به مردم عزیزمان عرض بکنم، فرصت نشد؛ یعنی زمینه‌ای پیش نیامد که من عرض بکنم، حالا عرض میکنم. و آن این است که من در سخنرانی اول فروردین، (۲) در باب رتبه‌ی اقتصادی کشور یک آماری را به مردممان عرض کردم و مطلبی را گفتم، بعد از آن چند نفر به من تذکر دادند که این آمار درست نیست؛ من به دفترمان گفتم که بررسی کنند موضوع را؛ بررسی کردند معلوم شد که حرف آنها درست است، حق با آنها است، آمار ما درست نبوده و آنچه من گفتم -رتبه‌ی اقتصادی هجدهم در دنیا- مربوط به چهار پنج سال قبل یا پنج شش سال قبل بوده. لذا از آن کسانی که به من تذکر دادند که موجب شد این اشتباه برطرف بشود، من صمیمانه تشکر میکنم.

شان بالای هدایت قرآنی در میان موضوعات قرآن

و اما در مورد هدایت قرآنی. ببینید، خداوند متعال در میان امتیازات متعدد ماه مبارک رمضان امتیاز نزول قرآن را ذکر میکند: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ؛ پیدا است که این شاید بالاترین موضوع در میان امتیازات ماه رمضان است. و در مورد قرآن هم که هزاران برجستگی در قرآن وجود دارد و خیلی بیش از اینها که عقل ما و فهم ما قادر به درک آنها نیست، در میان همه‌ی اینها هدایت قرآنی را مطرح میکند: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ؛ (۳) پیدا است که هدایت قرآنی در میان موضوعات مربوط به قرآن شان بالایی دارد.

خود	قرآن	مجید	همی	هدایت	آغاز	میشود	؛
ی	حمد	این	[مطلب]	هست:	اهدنا		



الصِّراطُ الْمُسْتَقِيمُ ي حمد از اوّل تلهوان آخر، الله ادبتعالى سخن عليه)
گفتن با خدا

یعنی خود خدای متعال به ما تعلیم میدهد که چه جورى باید با او صحبت کنیم؛ از آغاز «بِسْمِ اللَّهِ» تا آخر خواهی

؛ که «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»؛ (۴) که راه مستقیم، راه آن کسانی است که خدای متعال به آنها انعام کرده شدگانی که گمراه نشدند و مورد ی بقره: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. (۵) بنابراین

هدایه‌ها و دستگیری‌ها مورد هست که سخن از هدایت قرآن است و راهنمایی‌های قرآن.

همه‌ی بشریت، مخاطب قرآن

و این ی بشریت است، و ادعای قرآن این است که میخواهد همه ی بشریت را هدایت کند به صراط مستقیم، به راه درست زندگی انسان که به مقصد صحیح منتهی خواهد شد: إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ. (۶)

همه‌ی گستره‌ی زندگی بشر، محدوده‌ی هدایت قرآن

خ ب یک ی اساسی
اینجا وجود دارد و آن، ی نصوص ندارد

ی عظیم زندگی بشر است؛ یعنی این جور نیست که قرآن در یک بخشی انسان را

هدایت کند

دیگری از موارد مورد نیاز بشر و زندگی بشر، انسان را مه ی زندگی و حضور

معنوی انسان و کمال معنوی بشر همین عروج معنوی و قرب الهی است:

إِيكًا وَ أُنِرَ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَضِيَاءَ نَظَرِهَا إِلِيكَ؛ (۸) که بالا ی عدل و دشمنان ی جوامع انسانی، و دفع دشمنان گوناگون -دشمنان باطنی و دشمنان ظاهری، دشمنان

دشمنان

با مجاهدت و با جهاد، ها -که «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ

عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (۹) - همه ی این میدانها مورد هد

تا اخلاق، تا خانواده، [مثل] «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» (۱۰) یا «وَ أَنْكِحُوا الْاِيْمِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ اِمَائِكُمْ اِنْ يَكُونُوا قُقْرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، (۱۱) یا تربیت فرزند و امثال اینها، تا مسئله‌ی آرامش و سکون روحی، سکینه و آرامش روانی انسان که یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است، «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ؛ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»، (۱۲) و فرو نشاندن تلاطمهای درونی‌ای که انسان در حوادث زندگی با آنها مواجه میشود، و تا توصیه‌ی به علم و شناخت طبیعت، «وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (۱۳) که انسان بایستی به سمت علم، به سمت دانایی، به سمت کشف حقایق طبیعت و حقایق عالم وجود حرکت بکند، و تا رفتارهای فردی انسان، «وَ لَا تُصَغَّرْ حَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ مَرَحًا» (۱۴) یا «وَ اقْصِدْ فِي مَشِيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» (۱۵) و از این قبیل، همه‌ی عرصه‌های زندگی، در قرآن درس و هدایت دارد؛ یعنی قرآن بر همه‌ی بخشهای زندگی انسان ناظر و برای



همه‌ی آنها یک راهنمایی و هدایتی دارد و برای هر بخشی از زندگی انسان درسی دارد که این سرفصل‌های مهمی که حالا من یک مقداری از آن را گفتم و سرفصل‌های مهم دیگری هم وجود دارد، اینها همه در قرآن مطرح شده است و چقدر غافلند کسانی که خیال میکنند قرآن به مسائل زندگی، به مسائل سیاست، به مسائل اقتصاد، به مسائل حکومت کار ندارد؛ نه، بخش عمده‌ی قرآن راجع به همین مسائل اجتماعی زندگی است.

لزوم تدبّر برای فهم معارف قرآن

در قرآن، بیان مثل بیان کتابهای بشری نیست که یک فصل‌بندی بکنند، موضوع‌بندی بکنند؛ نه، خدای متعال در قرآن گاهی با یک کلمه، با یک اشاره، یک دریای معرفت را به سمت انسان سرازیر میکند که اگر چنانچه تدبّر کنیم، اگر فکر کنیم، اگر ابعاد را بسنجیم، اگر از خرد بشری برای فهم آن استفاده بکنیم، گاهی معارف عجیبی در یک کلمه برای انسان حاصل میشود. یا فرض بفرمایید که در ضمن یک حکایتی که قرآن دارد بیان میکند، کوتاه یا بلند، راجع به پیغمبران یا غیر پیغمبران - که در قرآن داستانهای فراوانی وجود دارد از گذشتگان - در خلال آن، یک مطلبی را به ما تعلیم میدهد و ما از آن استفاده میکنیم، مثلاً فرض کنید در خلال گفتگوی دو نفر. یا یک حادثه‌ی معینی اتفاق افتاده، یک بیانی نسبت به آن حادثه در قرآن هست، اما این بیان اگر چه مربوط به یک حادثه است، اما مخصوص به آن حادثه نیست؛ این بیان کلیت دارد که حالا مثلاً یک مثال [اگر] من بزنم، این آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی آل عمران است: *الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ*. (۱۶) خب این مربوط به ماجرای بعد از جنگ احد است؛ بعد از آنکه مسلمانها از جنگ احد، ناموفق، مجروح، خسته، کوفته، شهید داده، و مصیبت زده برگشتند، یک عده از منافقین افتادند بین مردم که شما اینجا نشستهاید، اما دشمنها آنجا حاضرند، نزدیک مدینه یک جایی اجتماع کرده‌اند و بزودی حمله میکنند پدر شما را درمی‌آورند؛ پیغمبر فرمود فقط آن کسانی که امروز در این حادثه در احد مجروح شدند بیایند؛ شب بلند شدند رفتند آن مجموعه را شکست دادند و برگشتند. *إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ*؛ منافقین شایعه درست میکردند که بله، پدرتان درآمد، علیه شما دارند چنین میکنند، چنان میکنند، اینها رفتند و غائله را ختم کردند و برگشتند: *فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ لِّمِمْسَسِهِمْ سَوْءٌ*. (۱۷) خب این یک «قضیه» است، این قضیه مال یک حادثه‌ی خاص است اما مخصوص آن زمان نیست؛ امروز هم هست، در همه‌ی دورانها هم بوده است.

هدایت دائمی قرآن و لزوم عمل و حضور در میدان

هر وقتی که ما از قرآن نسبت به حادثه‌ای شبیه آن حادثه استنتاج (۱۸) بکنیم، از قرآن هدایت بطلبیم، قرآن کریم همین مطلب را در اختیار ما خواهد گذاشت. امروز هم همین جور است؛ امروز هم ممکن است بعضی‌ها بیایند بین ما شایعه درست کنند که مثلاً «فلان دولت، فلان گروه، فلان ابرقدرت، فلان مجموعه دارند علیه شما توطئه میکنند، خلاصه بیچاره شدید» و مانند اینها؛ اینجا هم همان است: *فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ*. (۱۹) البته «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» با نشستن گوشه‌ی خانه جور در نمی‌آید؛ بایستی آمد وسط میدان، کما اینکه آنها رفتند وسط میدان. درس این است: بروید وسط میدان، کاری را که لازم است انجام بدهید و بگویید «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ».

فضیل بن یسار که یکی از اصحاب برجسته و ممتاز و ثقه‌ی (۲۰) حضرت باقر و حضرت صادق (علیهما السلام) است، میگوید من از امام باقر سؤال کردم که معنای این روایت چیست؟ یک روایتی در اختیار آنها بوده که میفرماید: «ما فی القرآن آیهٌ إلاّ و لها ظهراً و بطن» - که البته دنباله دارد - همه‌ی آیات قرآن رویی دارد و پشتی دارد،



ظاهری دارد و باطنی دارد؛ میگوید پرسیدم این ظاهر و باطن یعنی چه. حضرت فرمود که «بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ»؛ ظاهرش که ظاهر است؛ [امّا] باطن، آن چیزی است که تأویل آن است. تأویل یعنی آنچه برگشت این آیه و مفاد این آیه منطبق با آن است. مِنْهُمْ ما مَضَى وَ مِنْهُمْ ما لَمْ يَكُنْ بَعْدُ يَجْرِي كما تجرى الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ؛ (۲۱) مثل ماه و خورشید که به طور دائم بالای سر انسانند و مخصوص روزی دون (۲۲) روزی نیستند، این آیات شریفه‌ی قرآن هم مثل خورشید بالای سر ما هستند و دائم هستند؛ این جور نیست که یک روزی باشند، یک روزی نباشند؛ بنابراین هدایت قرآنی این جوری است.

حضور قرآن در تمامی صحنه‌های اجتماعی و سیاسی انسانها آن کسانی که قرآن را و اسلام را به مسائل شخصی و مسائل عبادی و مانند اینها منحصر میکنند و انسانها را به گوشه‌نشینی [دعوت میکنند که] وقتی وارد جامعه بشوند دیگر باید قرآن را کنار بگذارند، قرآن را بلد نیستند؛ انصافاً با قرآن آشنا نیستند، قرآن را نشناخته‌اند؛ باید گفت قرآن را نخوانده‌اند؛ لذاست که این جور اشتباه و خطا حرف میزنند و قضاوت میکنند؛ حقیقتاً با قرآن آشنا نیستند. قرآن خودش را از چالشهای سیاسی و اجتماعی به هیچ وجه کنار نمیکشد و از مقابله‌ی با طاغوتها، با مستکبرها، با مُسرفها، با ستمگران اجتناب نمیکند؛ همیشه در مقابل اینها ایستاده است، و اگر شما اهل قرآن هستید، قهرآ میدان زندگی شما، میدان حضور قرآن است. خب، پس قرآن متکفل هدایت و دستگیری آحاد بشر در همه‌ی بخشها است؛ در این تردیدی نیست.

تقوا، لازمه‌ی استفاده از هدایت قرآن

لکن یک نکته‌ی دیگر که در اینجا وجود دارد، این [است] که قرآن در معرض استفاده‌ی ما است، امّا اینکه آیا ما استفاده میکنیم یا نه، آیا ما میتوانیم استفاده کنیم یا نه، خودش مسئله‌ی مهمی است. بله، قرآن درس را در اختیار ما گذاشته، هدایت را به ما عرضه کرده، امّا ما کی میتوانیم از این هدایت قرآنی استفاده کنیم؟ هُدَى لِلْمُتَّقِينَ؛ (۲۳) وقتی تقوا وجود داشته باشد. وقتی تقوا وجود داشت، این هدایت به معنای واقعی کلمه و به تمام معنی‌الکلمه در اختیار ما خواهد بود. البته تعبیرات در قرآن مختلف است لکن مرجع همه‌ی آنها یکی است؛ اینجا در اوّل قرآن «هُدَى لِلْمُتَّقِينَ» است، در یک جا «هُدَى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» (۲۴) است، در یک جا «هُدَى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (۲۵) است، در یک جا «هُدَى وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (۲۶) است، در یک جا «هُدَى لِلنَّاسِ» است؛ این مراتب مختلف هدایت است: «هُدَى لِلنَّاسِ» یعنی در اختیار آنها است، میتوانند استفاده کنند، «هُدَى لِلْمُتَّقِينَ» یا «هُدَى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» [هم] مراتب بهره‌مندی از این هدایت را برای انسانها مشخص میکند. خب این در مورد تقوا که مراتب هدایت نشان داده میشود.

خشیت

در آیات دیگری، «خشیت» ملاک قرار گرفته است که حالا عرض میکنم مرجع آن هم باز به تقوا است: «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ حَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشَّرَهُ بِمَغْفِرَةٍ وَ أَجْرٍ كَرِيمٍ» (۲۷) - در سوره‌ی مبارکه‌ی یاسین - آن کسی میتواند از انذار قرآنی استفاده بکند و در جان او اثر بگذارد و دست او را بگیرد و پیش ببرد که دارای خشیت باشد. یا در سوره‌ی مبارکه طه: طه، ما انزلنا عليك القرآن لتَشقى، إلا تذكرة لمن يَحشى. (۲۸) در قرآن چندین آیه‌ی دیگر هم هست که مربوط به همین خشیت است. خشیت هم صفت اهل تقوا است؛ یعنی وقتی ما تقوا داشته باشیم، خشیت هم به سراغ ما می‌آید که حالا اینجا این آیه‌ی شریفه را من بخوانم: وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْقُرْآنَ وَ زِيَّاءً وَ ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ؛ (۲۹) آنچه به هارون و موسی (علیهما السلام) داده شد، هدایت و ذکر بود برای متقین؛



متقین چه کسانی هستند؟ متقین را قرآن معنا میکند: الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ. (۳۰) پس بنابراین، تقوا و خشیت هم یا همراهند یا اساساً جدا از هم نیستند و تحت یک مفهوم قرار میگیرند.

تفاوت خوف و خشیت

البته خشیت با خوف فرق دارد. خشیت عبارت است از آن حالتی که ناشی از فهم عظمت طرف مقابل است که به انسان دست میدهد؛ به این حالت میگویند خشیت. خشیت در مقابل پروردگار عالم ناشی از درک عظمت حضرت حق (جل و علا) است که «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»؛ (۳۱) آن کسانی که معرفتشان بیشتر است، داناییشان بیشتر است، خشیت از پروردگار مال آنها است. البته خطا نشود در فهم معانی خوف و خشیت و این چیزها که به معنای ترساننده بودن ذات مقدس پروردگار فهمیده بشود؛ نه، إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ حَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ؛ خشیت هست، اما رحمانیت محفوظ است؛ همان رحمان، آن که مظهر لطف و عنایت به بشر است، خشیت در مقابل او است به خاطر عظمت او.

خلاصه، ماه رمضان ماه قرآن است و حقاً میتوان در این ماه از هدایت قرآنی بهره برد. قرآن را بخوانیم، زیاد بخوانیم، با دقت بخوانیم، با تدبّر بخوانیم، با توجه به خدای متعال بخوانیم، از خود خدای متعال در تلاوت قرآن طلب کمک کنیم و بدانیم که دل با قرآن جلا پیدا میکند؛ این تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که «وَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْظِ أَحَدًا يَمِثِلُ هَذَا الْقُرْآنَ»؛ این خطبه‌ی بسیار زیبای صدو هفتاد و ششم نهج البلاغه است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد قرآن بیان کردند و فقراتی از آن را ما گاهی در صحبتها خوانده‌ایم. اینجا میفرماید: «وَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْظِ أَحَدًا يَمِثِلُ هَذَا الْقُرْآنَ»؛ خدای متعال در هیچ یک از کتابهای آسمانی، مثل قرآن احاد بشر را موعظه نکرده، به آنها درس نداده، آنها را راهنمایی نکرده. فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ سَبَبُهُ الْأَمِينُ وَ فِيهِ رَبِيعُ الْقَلْبِ؛ بهار دل؛ دل را بهاری میکند، دل را باطراوت میکند، دل را سرسبز میکند، دل را زمینه‌ی رویاندن معارف و توجهات حقیقی قرار میدهد؛ وَ فِيهِ رَبِيعُ الْقَلْبِ وَ يَتَابِعُ الْعِلْمَ وَ مَا لِلْقَلْبِ جِلَاءٌ غَيْرُهُ؛ این کلمه‌ی «جلا» در فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

لزوم توجه به قرائت با خشوع و متوجه معنا توسط قاریان به عنوان مبلغان قرآن

خب شما تلاوتگران عزیز قرآن که مخاطب اولی این عرایض ما هستید، خودتان را مبلغ قرآن بدانید؛ مبلغ قرآن، و نه فقط خواننده‌ی قرآن. در میان همین خوانندگان (۳۲) قدیمی که اینجا اسمشان آورده شد و بعضی نوارهایشان گذاشته شد، بعضی این جور هستند که وقتی قرآن را میخوانند، مثل این [است] که دارد بر انسان نازل میشود؛ یعنی میفهمند چه دارند میگویند، چه دارند میخوانند؛ با توجه به معنا، با حضور قلب قرآن میخوانند - البته بعضی‌ها هم این جور نیستند - لذا تأثیر آن در دل مستمع خیلی بیشتر است. قاری خودش را مبلغ قرآن بداند.

شما بایستی بدانید که مبلغ قرآنید، و تلاوتگران واقعاً نقش دارند، همین جلسات تلاوت خیلی نقش دارد، تربیت تلاوتگران خیلی کار بزرگ و مهمی است که انجام میگیرد و خدا را شکر که در کشور ما این رواج پیدا کرده، و تلاوت با تذکر، با خشوع، با توجه عمیق به معنا. به معنا توجه کنید؛ اگر مثلاً یک بخشی از قرآن را در یک محفلی میخواهید تلاوت بکنید، این را در ذهنتان قبلاً آماده کنید؛ اگر مراجعه‌ی به تفسیر لازم دارد، مراجعه‌ی به ترجمه لازم دارد [مراجعه کنید]. خوشبختانه بسیاری از تلاوتگران ما قرآن را میفهمند، و درک میکنند معانی قرآن را و احتیاجی به ترجمه ندارند، لکن اگر احتیاج به ترجمه بود، احتیاج به تفسیر بود، مراجعه بشود و با توجه کامل، با



تذکر کامل انجام بگیرد.

استفاده از لحن و صوت خوب با رعایت حدود صحیح آن به بعضی از این کارهای صوتی هم که بعضی‌ها میکنند -هم [قاریان] آنها میکنند، هم بعضی از بچه‌های ما میکنند - خیلی توجه نکنید؛ یعنی بیشتر به معانی [توجه بشود]. البته بنده با صوت خوب و لحن خوب صد درصد موافقم؛ اینکه لحنهای خوبی را انتخاب کنید و یاد بگیرید و بیان کنید چیزهای خوبی است، منتها توجه بشود که از حد صحیح و جاده‌ی مستقیم خارج نشوید. این عرایض ما راجع به مسئله‌ی قرآن.

لزوم تصمیم‌گیری قاطع و توجه به هشدارهای کارشناسان بهداشت در زمینه‌ی مبارزه با کرونا یک موضوع دیگری که لازم میدانم عرض بکنم، [یعنی] موضوعی که همه‌ی ما متأثر از آن هستیم، همین موضوع این بیماری همه‌گیر، این ویروس همه‌گیر و واقعاً منحوس در کشور ما و در همه جای جهان است که خب وضع زندگی کشور را تحت تأثیر قرار داده. واقعاً زیباترین روزهای سال، روزهای اوّل بهار است؛ متأسفانه امسال این [بیماری]، زیباترین روزها و شیرین‌ترین روزها را به کام ملتمان تلخ کرد؛ عدد جانباختگان بالا رفت، عدد مبتلایان بالا رفت؛ اینها چیزهایی است که انسان نمیتواند از آن به آسانی بگذرد. این آمارهای تلخ و تکان‌دهنده، بایستی همه‌ی ما را -هم مسئولان را، هم آحاد مردم را- هشیار کند، بیدار کند و توجه بکنیم؛ با بیماری شوخی نکنیم. بایستی مسئولین به طور قاطع کاری که باید انجام بدهند، انجام بدهند؛ یعنی این حدودی که لازم است و متخصصین و کارشناسان مسئله -پزشکان و مسئولین امور بهداشت و درمان و مانند اینها- مشخص میکنند، بر طبق گفته‌ی آنها عمل بشود؛ یعنی تلخی هر عارضه‌ی دیگری را شما فرض کنید، از عارضه‌ی شیوع این بیماری کمتر است؛ چون شیوع بیماری، هم بیماری است، هم بیکاری است، هم مشکل معیشت است، هم جان باختن و داغ عزیزان است؛ یعنی اصلاً همه‌ی برنامه‌های کشور تحت تأثیر این بیماری قرار دارد؛ الان هم همین جور است. باید کاری کنیم که این بیماری متوقف بشود و بر این فائق بیاییم، غالب بشویم و این ممکن نیست جز با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرا و رعایت ضوابط بهداشتی از طرف ما آحاد مردم.

تکریم و تمجید از کادر درمانی

یک نکته‌ی دیگری که لازم است من در اینجا عرض بکنم، عبارت است از تمجید و ثناگویی نسبت به مجموعه‌های درمانی و بهداشتی. واقعاً جا دارد که انسان از اینها تمجید کند، از اینها سپاسگزاری کند. این ماسک را که انسان میزند، فقط همین ماسک یک مقدار زیادی انسان را دچار مشکل میکند؛ در این هوای گرم با آن لباسهای دشوار، اگر با این لباس این جوان، این پرستار، این پزشک، این بهیار و بقیه‌ی عوامل درمانی بخواهند ساعت‌های متوالی در بیمارستان یا بیرون بیمارستان کار کنند، شما ببینید چقدر کار سختی است؛ حقیقتاً این [کار] مجاهدت فی‌سبیل‌الله است؛ جهاد فی‌سبیل‌الله است و به نظر من ثواب بسیار زیادی دارد.

لزوم ورود و همکاری نیروهای جهادی برای کمک به کادر درمان

مردم هم بایستی همراهی کنند. آن کسانی که اهل کمک به این کار بودند که اوایل سال گذشته، در اوّل ابتلا یک عده‌ای وارد شدند و رفتند در بیمارستان‌ها به کمک پرستارها و امثال اینها و در بیرون بیمارستان‌ها [کمک کردند]، باز هم کسانی که آمادگی دارند داوطلبانه به این کار کمک کنند.



لزوم استمرار و گسترش و اوجگیری کمکهای مؤمنانه در نهضت مواسات نکته‌ی بعدی در این زمینه، مسئله‌ی کمکهای مردمی است. خب ماه رمضان ماه احسان است؛ همیشه همین جور بوده؛ در حال عادی هم در ماه رمضان سفره‌ی احسان احسان‌گران و مؤمنین برای کسانی که نیاز داشته‌اند و نیازمند بوده‌اند، گسترده بوده است؛ وقتی در شرایط کرونا قرار می‌گیریم، این قضیه چند برابر اهمیت پیدا میکند و لازم است که این نهضت کمک مؤمنانه و نهضت مواسات در این ماه رمضان، در بین مردم حقیقتاً اوج بگیرد. البته میدانم عده‌ای بدون اینکه منتظر سفارش این حقیر باشند، خودشان شروع کرده‌اند و در اطراف کشور، در اکناف شهرهای مختلف کشور مشغول کمک هستند؛ یا آماده میکنند خودشان را، یا شروع به کمک کرده‌اند؛ این را میدانیم، اما میخواهم عرض بکنم این کار را استمرار بدهید و همه‌گیر کنید و همه در این زمینه ان‌شاءالله کمک کنند تا این نهضت کمک مؤمنانه به اوج برسد. این هم راجع به مسئله‌ی کرونا و این بیماری و این توصیه‌های ما.

مشخص بودن سیاست کشور در زمینه‌ی برجام و لزوم پرهیز مذاکره‌کنندگان از ورود به مذاکرات فرسایشی یک جمله هم راجع به این قضایای جاری این روزها، قضیه‌ی برجام و تحریمها و این حرفها عرض بکنیم که خب گفتگوهای زیادی هست. سیاست کشور را ما اعلام کردیم و به مسئولین هم گفته‌ایم؛ هم از نزدیک گفتیم، هم با نوشته گفتیم، هم در جلسات گفتیم، هم در صحبت عمومی گفتیم؛ سیاست کشور معلوم است که چه کار باید بکنند. خب حالا تشخیص مسئولین ما این است که برویم مذاکره کنیم تا همین سیاست را اعمال کنیم؛ ما بحثی در این زمینه نداریم، منتها باید مراقبت بشود که مذاکره فرسایشی نباید بشود؛ نباید جوری باشد که طرفها بخواهند همین طور مدام این مذاکره را کش بدهند که این برای کشور ضرر دارد.

مذاکرات آمریکایی‌ها برای تحمیل خواسته‌های باطل خودشان این را هم توجه داشته باشید اینکه آمریکایی‌های دائم اسم مذاکره را می‌آورند و مذاکره‌ی مستقیم با ایران را ما حاضریم و مانند این حرفها، این جور نیست که آمریکا بخواهد مذاکره کند تا اینکه یک حرف حقی را قبول کند؛ نه، میخواهد مذاکره کند تا یک حرف باطلی را تحمیل کند! اصلاً کار او این جور است، والا اینکه حالا یک حرف حقی را بشنوند، تصدیق کنند، قبول کنند، این جور نیست؛ کما اینکه همین آقایان اروپایی‌ها هم در بعضی از جلسات خصوصی که گزارشش را مسئولین ما، مأمورین ما به ما میدهند، اقرار میکنند که حق با ایران است. ما گفتیم که باید اول تحریمها برداشته بشود - چون ما خاطر جمع نیستیم به اینکه آنها وعده بدهند که تا حالا ده‌ها بار به وعده‌هایشان عمل نکرده‌اند و ضد وعده عمل کرده‌اند، و حالا هم همین کار را خواهند کرد - لذا بایستی آنها کاری را که ما می‌گوییم اول انجام بدهند تا ما خاطر جمع بشویم که انجام گرفت، بعد ما آنچه تکلیفمان است انجام خواهیم داد. این مذاکره‌کنندگان اروپایی گاهی در جلسات خصوصی تصدیق میکنند که همین سیاست، درست است و حق با ایران است اما در مقام تصمیم‌گیری خب تابع آنها هستند و خودشان واقعاً هیچ استقلالی ندارند. آمریکا هم زورگو و تحمیل‌کننده است و مسئله‌اش این است؛ بنابراین پیشنهادهایی هم که میکنند، غالباً پیشنهادهای متکبرانانه و تحقیرآمیزی است که حتی قابل نگاه کردن نیست. امیدواریم ان‌شاءالله مسئولین کشور در این زمینه هم کاملاً با چشم باز، با دل محکم، با توکل به خدا، با ذکر «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» ان‌شاءالله جلو بروند و توفیقات الهی شامل حالشان بشود و ملت را خرسند و خوشحال کنند.

امیدواریم خدای متعال این ماه شریف را برای ملت ما و همه‌ی ملت‌های مسلمان مبارک کند، برکاتش را نازل کند، باران رحمتش را بر زمینهای خشک و تشنه‌ی ما نازل کند و ان‌شاءالله برکات معنوی و مادی خودش را به آحاد مردم



و به مجاهدان راه حق عنایت کند؛ روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائش محشور کند، روح مطهر شهدا را با شهدای صدر اسلام ان شاء الله محشور کند؛ و سلام و ارادت و اخلاص ما را به خاک پای مولای عالم، حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) برساند و رضایت آن بزرگوار و دعای آن بزرگوار را هم شامل حال ما کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این برنامه، جمعی از قاریان به تلاوت آیاتی از قرآن پرداختند و در فواصل میان قرائتها هم بخشهایی از دیدارهای رمضانی گذشتهی قاریان با معظم له نمایش داده شد.

(۲) سخنرانی نروزی خطاب به ملت ایران (۱۴۰۰/۱/۱)

(۳) سورهی بقره، بخشی از آیهی ۱۸۵؛ «ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است...»

(۴) سورهی حمد، آیات ۶ و ۷

(۵) سورهی بقره، آیات ۱ و ۲؛ «الف، لام، میم. این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایهی هدایت تقوایبشگان است.»

(۶) از جمله سورهی ص، آیهی ۸۷؛ «این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست.»

(۷) مهمل گذاشتن چیزی: توجه نکردن به آن؛ اهمیّت ندادن به آن

(۸) بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۹۹

(۹) سورهی فصلت، بخشی از آیهی ۳۴؛ «... آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل میگردد.»

(۱۰) سورهی فرقان، بخشی از آیهی ۷۴؛ «... پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایهی روشنی چشمان [ما] باشد...»

(۱۱) سورهی نور، بخشی از آیهی ۳۲؛ «بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد...»



۱۲) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۶؛ «... پس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌ی خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد. ...»

۱۳) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۶۱؛ «... و در آن شما را استقرار داد. ...»

۱۴) سوره‌ی لقمان، بخشی از آیه‌ی ۱۸؛ «و از مردم [به نخوت] رُخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو ...»

۱۵) همان، بخشی از آیه‌ی ۱۹؛ «و در راه رفتن خود میانه‌رو باش و صدایت را آهسته ساز ...»

۱۶) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷۳؛ «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آن بترسید. [ولی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکوحمایتگری است.»

۱۷) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۴؛ «پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، [از میدان نبرد] بازگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود. ...»

۱۸) سؤال و جواب، تحقیق

ی ۱۷۳؛ «... بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.» بران، بخشی از آیه‌آل

۲۰) مورد اطمینان

۲۱) بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۹۴

۲۲) غیر از

بقره،

ی

۲۳)

بخشی از آیه‌ی ۲؛ «... مایه‌ی هدایت تقواییشان است.»

۲۴) از جمله، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۹۷؛ «... هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.»

۲۵) از جمله سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۵۲؛ «... برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است.»

۲۶) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۱۰۲؛ «... برای مسلمانان هدایت و بشارتی است.»

۲۷) سوره‌ی یس، آیه‌ی ۱۱؛ «بیم دادن تو تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان



در نهن بترسد. [چنین کسی را] به آمرزش و پاداشی پُرارزش مژده ده.»

۲۸) سوره‌ی طاهّا، آیات ۱ تا ۳؛ «طه. قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی؛ جز اینکه برای هر که میترسد، پندی باشد.»

۲۹) سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۴۸؛ «و در حقیقت، به موسیٰ و هارون فرقان دادیم و [کتابشان] برای پرهیزکاران روشنایی و اندرزی است.»

۳۰) همان، بخشی از آیه‌ی ۴۹؛ «[همان] کسانی که از پروردگارشان در نهن میترسند. ...»

۳۱) سوره‌ی فاطر، بخشی از آیه‌ی ۲۸؛ «... از بندگان خدا تنها دانایانند که از او میترسند. ...»

۳۲) قاریان